

A Comparative Study of the Illustrations of Alexander's Wall Against Gog and Magog in the Manuscript *Daqā'iq al-Ḥaqā'iq* by Nasir al-Din Muhammad Haikali (d. 671/1272) and the Catalan Atlas (776/1375)

Faeze Rezaee¹ Alireza Taheri²

1-PhD student in Comparative and analytical history of Islamic art, Art University of Iran, Tehran, Iran.

2-Professor, Faculty of Theoretical Sciences and Higher Art Studies, Art University of Iran, Tehran, Iran, (Corresponding author).

Abstract

Introduction: The narrative of Alexander's Wall against Gog and Magog occupies an important place in both Islamic and Christian traditions. In Islamic sources, Alexander is often identified with Dhul-Qarnayn, a Qur'anic figure associated with divine guidance and moral responsibility. The manuscript *Daqā'iq al-Ḥaqā'iq* reflects this perspective by emphasizing the completed construction of the wall and the divine protection associated with it. Unlike many other visual representations of the story, this manuscript omits the figures of Alexander, Gog, and Magog. Instead, it focuses on the defensive structure of the wall and associated magical devices, including mounted figures holding musical instruments atop towers. In contrast, the Catalan Atlas combines historical narrative with eschatological expectations characteristic of the medieval Christian worldview, in which history and theology are closely intertwined. Alexander is portrayed as a Christian ruler confronting apocalyptic forces with the aid of divine and supernatural powers. The image includes vivid representations of Gog and Magog and extends the narrative toward an anticipated eschatological future. Through its elaborate visual language, rich colors, and detailed imagery, the Catalan Atlas reflects a European cartographic tradition that integrates geographical knowledge with theological concepts. This study comparatively examines the representation of Alexander's Wall against Gog and Magog in these two significant medieval works, exploring how a shared narrative was adapted within different cultural, religious, and artistic contexts.

Purposes & Questions: This study aims to compare the visual representation of Alexander's Wall against Gog and Magog in *Daqā'iq al-Ḥaqā'iq*, a thirteenth-century Islamic manuscript attributed to Nasir al-Din Muhammad Haikali (d. 671/1272), and the Catalan Atlas (776/1375). It addresses the following question: How do these two works visually narrate the story of Alexander's Wall, and what theological, artistic, and historical perspectives are reflected in their representations?

Methods: The research adopts a descriptive-analytical comparative approach based on the visual and symbolic examination of primary sources. Data were collected through a detailed study of the illustrations in *Daqā'iq al-Ḥaqā'iq* and the Catalan Atlas. The analysis employs a qualitative approach to interpret artistic styles, symbolic elements, and narrative structures in order to identify thematic patterns and cross-cultural influences.



► Received: 2026-01-07
 ► Final revision: 2026-04-12
 ► Accepted: 2026-04-18
 ► Early online access: 2026-04-21
 ► Published: 2026-07-01

► 1
 Email: f.rezaee@student.art.ac.ir
 ► 2
 Email: al.taheri@art.ac.ir

Abstract

► Negareh
 ► Summer 2026 - NO 78



Findings & Results: The findings reveal both significant similarities and notable differences between the two depictions. In both works, magical devices function as symbols of divine protection against Gog and Magog. In *Daqā'iq al-Ḥaqā'iq*, mounted figures positioned atop towers convey vigilance and supernatural intervention, whereas in the Catalan Atlas, bronze trumpets produce frightening sounds that serve a protective function. In both cases, sound operates as a symbolic mechanism of defense sanctioned by divine power. Despite these common features, the two works differ substantially in their theological orientation and narrative emphasis. The Islamic manuscript presents Alexander as Dhul-Qarnayn and highlights divine guidance, moral authority, and the completed achievement of constructing the wall. By avoiding dramatic scenes of confrontation, it adopts a restrained and reflective visual language that emphasizes divine protection through symbolic rather than narrative means. The Catalan Atlas, by contrast, incorporates apocalyptic themes and portrays Alexander as a Christian ruler engaged in a struggle against forces associated with the end of time. Gog and Magog are represented as agents of disorder, confined behind the wall until their prophesied future release. This interpretation combines the memory of Alexander's achievements with eschatological expectation and reflects a worldview in which historical and theological narratives are closely connected. The comparison further demonstrates how a shared narrative could be reshaped to address different ideological and cultural concerns. While the Islamic image emphasizes divine order, protection, and moral authority, the European example foregrounds prophecy, eschatology, and the anticipation of future events. At the same time, both visual narratives reveal common symbolic structures that transcend cultural boundaries. The use of sound as a protective force, the conception of the wall as a divinely sanctioned barrier, and the presence of supernatural elements illustrate the circulation and adaptation of ideas across different intellectual traditions. Overall, the study highlights the role of visual representation in medieval intercultural exchange. Although each work reflects the specific religious and artistic context in which it was produced, both demonstrate how shared narratives could be reinterpreted through distinct visual strategies. The analysis contributes to a deeper understanding of interactions between Islamic and Christian traditions, demonstrating how the story of Alexander's Wall functioned both as a point of cultural convergence and as a marker of religious and ideological difference.

Keywords: Alexander's Wall, Gog and Magog, *Daqā'iq al-Ḥaqā'iq*, Catalan Atlas, Illustrations

Abstract

مطالعه تطبیقی نگاره سد اسکندر در مقابل یاجوج و ماجوج در نسخه خطی دقایق الحقایق نصیرالدین محمد هیکلی (۱۲۷۱ هـ/۱۲۷۲ م) و نقشه کاتالان (۱۲۷۶ هـ/۱۳۷۵ م)

فائزه رضایی* علیرضا طاهری**

دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۹ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰
بازنگری نهایی: ۱۴۰۴/۱۰/۲۳ زودآیند: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

صفحه ۲۵۰ تا ۲۶۹

نوع مقاله: پژوهشی

DOI:10.22070/negarch.2025.19986.3485



چکیده

مقدمه: داستان سد اسکندر در برابر یاجوج و ماجوج یکی از جمله روایت‌هایی است که در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف به اشکال گوناگون بازگو شده است. این داستان نه تنها در منابع اسلامی، بلکه در متون یهودی و مسیحی نیز اهمیت دارد و در ادبیات غرب و اروپا نیز بازتاب‌های متعددی یافته است. روایت ساخت این سد موضوع یکی از نگاره‌های نسخه خطی دقایق الحقایق نصیرالدین محمد معزم هیکلی ۱۲۷۱ هـ/۱۲۷۲ م و نیز بخشی از نقشه کاتالان ۱۲۷۶ هـ/۱۳۷۵ م را شکل می‌دهد.

اهداف و سؤال‌ها: این مقاله به تطبیق نگاره سد اسکندر در برابر یاجوج و ماجوج در نسخه خطی دقایق الحقایق و نقشه کاتالان می‌پردازد. هدف پژوهش، بررسی چگونگی بازتاب داستان مشترک سد اسکندر در این دو اثر تصویری است که از دو سنت هنری و فرهنگی کاملاً متفاوت سرچشمه گرفته‌اند. پرسش اصلی پژوهش این است که این دو اثر چگونه به روایت این داستان پرداخته‌اند؟

روش‌ها: جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. ضرورت و اهمیت پژوهش در بررسی تعاملات میان فرهنگی و نقش داستان‌های جهان‌شمول در شکل‌دهی به هنر و روایت‌های تصویری نهفته است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نگاره دقایق الحقایق با نمایش سد اسکندر، پیکره‌های طلسمی و تأکید بر آیات قرآن، اسکندر را به‌عنوان نوالقرنین قرآنی بازنمایی می‌کند؛ در حالی که نقشه کاتالان با بازنمایی خروج قوم یاجوج و ماجوج همراه با رهبرشان، از رویکردی جغرافیایی و آخرالزمانی بهره می‌گیرد و این روایت را با مفاهیم مسیحی پیوند می‌دهد.

واژگان کلیدی: سد اسکندر، یاجوج و ماجوج، نسخه خطی دقایق الحقایق، اطلس کاتالان، نگارگری.



مقدمه

تلفیق علوم غریبه با نجوم و اختربینی برای رفع مشکلات، پیشگویی و کنترل اعمال انسانی، تأثیر چشمگیری در شکل‌گیری اثری به نام «دقایق الحقایق» (هیکی نصیری، ۶۷۰-۶۷۱ ه. ق) داشته است. دقایق الحقایق در سال‌های ۶۷۰ و ۶۷۱ ه. ق (۱۲۷۳ و ۱۲۷۲ م) نگارش شده است. نویسنده این نسخه، نصیرالدین محمد بن ابراهیم الهیکلی نصیری (۶۷۰-۶۷۱ ه. ق)، کتاب را به غیاث‌الدین سلطان جوان سلجوقی، تقدیم کرده است. این کتاب به زبان فارسی و در زمینه علوم غریبه، طلسمات و طالع‌بینی نوشته شده و نسخه‌ای منحصر به فرد است که در کنار رسالات دیگری در همین حوزه، جایگاه ویژه‌ای دارد.

این نسخه مصور در مجموع ۵۱ تصویر دارد. تصاویر عمدتاً به موکلین مختلف اختصاص دارند که به شکل تماثیل انسانی، حیوانی و موجودات ترکیبی از انسان و حیوان، یا فرشتگان بالدار و موجودات اسطوره‌ای به تصویر کشیده شده‌اند. مکان‌ها نیز در این کتاب نقش مهمی دارند و بیشتر شامل شرح مکان‌های عجیب و افسانه‌ای هستند. برخی از این مکان‌ها ریشه در واقعیت دارند و گاه در آیات و روایات مختلف به آن‌ها اشاره شده است. مؤلف با استفاده از این توصیفات، تغییراتی ایجاد کرده و روایت خاص خود را ارائه می‌کند. در مقابل، برخی مکان‌ها کاملاً خیالی‌اند و با استفاده از تخیل و اغراق، ویژگی‌های جادویی به آن‌ها افزوده شده است. در چنین حالتی، خواننده تحت تأثیر قرار گرفته و ناخودآگاه به تفکر درباره این پدیده‌ها می‌پردازد.

یکی از این مکان‌های مهم، تصویری با عنوان «سد اسکندر» است که در صفحه صدم کتاب قرار دارد و بخشی از آن نیز از بین رفته است. این تصویر به داستان «سد ساختن نوالقرنین در برابر یاجوج و مأجوج» اشاره دارد و روایتی جذاب و منحصر به فرد ارائه می‌دهد که ترکیبی از عناصر فرهنگی گوناگون است. در این روایت، اسکندر پس از ساخت سد، سه برج بنا می‌کند و بر فراز هر برج، مجسمه‌ای از سوارکاری با چهار دست قرار می‌دهد. این پیکرها در دو دست خود بوق و دهل دارند. هدف از ساخت این مجسمه‌های جادویی آن است که در صورت حمله یاجوج و مأجوج، لوح‌ها سنگین شده و پیکرها به نواختن ساز بپردازند. یاجوج و مأجوج که قادر به دیدن این مجسمه‌ها نیستند، با شنیدن صدای ساز تصور می‌کنند اسکندر بازگشته و از ترس می‌گریزند. بدین ترتیب، علاوه بر دیوار یا سد، شاهد حضور سه پیکره بر بالای برج‌ها نیز هستیم. داستان سد اسکندر در برابر یاجوج و مأجوج یکی از

روایت‌هایی است که در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف به اشکال متفاوت بازگو شده است. این داستان نه تنها در منابع اسلامی، بلکه در متون یهودی و مسیحی نیز اهمیت دارد. در ادبیات غرب و اروپا نیز بازتاب‌های متعددی از این روایت دیده می‌شود. در نقشه‌های تصویری جهان نیز همواره نشانه‌هایی از این قوم، محل زندگی آنان و سد اسکندر وجود دارد. در منابع غربی از قوم یاجوج و مأجوج با عنوان گوگ و ماگوگ یاد می‌شود. در نقشه کاتالان که در سال ۱۳۷۵ میلادی تهیه شده است، یاجوج و مأجوج به صورت برجسته و قابل توجه در گوشه شمال شرقی آسیا به تصویر کشیده شده‌اند. در نیمه بالایی سمت راست نقشه، تصویر اسکندر کبیر دیده می‌شود که گفته شده با کمک شیطان موفق به زندانی کردن «تار تارهای گوگ و ماگوگ» شده است. او سپس دو مجسمه برنزی به شکل شیپور ساخت تا با طلسمی این اقوام را در بند نگه دارد. در صحنه‌ای دیگر، «ارباب بزرگ و فرمانروای گوگ و ماگوگ» همراه با پیروانش به تصویر کشیده شده است؛ شخصیتی که بناست در زمان ظهور دجال با پیروان خود قیام کند.

هدف این پژوهش بررسی چگونگی بازتاب داستان مشترک سد اسکندر در این دو اثر تصویری است که از دو سنت هنری و فرهنگی کاملاً متفاوت سرچشمه گرفته‌اند. سؤال اصلی این است که این دو اثر چگونه به روایت داستان پرداخته‌اند؟ اهمیت و ضرورت این پژوهش در یکی از داستان‌های پرتکرار در منابع مختلف است که در دقایق الحقایق به شیوه‌ای متفاوت به تصویر درآمده و شباهت‌های قابل توجهی با نقشه کاتالان دارد. بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان این دو اثر می‌تواند به درک بهتر پیشرفت‌ها و تفاوت‌های هنری و نیز دیدگاه‌های جغرافیایی درباره موضوعی مشترک در دو سنت فرهنگی متفاوت کمک کند.

روش پژوهش

روش این مقاله توصیفی-تطبیقی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، پژوهشگران دو منبع اصلی پژوهش، یعنی نگاره سد اسکندر در کتاب دقایق الحقایق و نقشه کاتالان را به دقت بررسی کرده‌اند. این انتخاب به دلیل شباهت این آثار از نظر ظاهری در بازتاب داستان سد اسکندر و یاجوج و مأجوج در دو سنت فرهنگی متفاوت (اسلامی و اروپایی) و نیز تناسب زمانی آن‌ها صورت گرفته است. عناصر تصویری، سبک هنری و پیام‌های روایی هر دو اثر به صورت جداگانه بررسی شدند. در نهایت، با تطبیق این دو اثر، شباهت‌ها و

تفاوت‌های آن‌ها در زمینه‌هایی مانند عناصر جادویی، اهداف روایی و بازنمایی دینی و جغرافیایی مقایسه شد

پیشینه پژوهش

تاکنون نسخه خطی دقایق الحقایق در چندین مقاله بررسی شده است. در مقاله «بررسی نگاره مرد سوار بر پرنده در نسخه خطی دقایق الحقایق نصیرالدین محمد معزم هیکلی با رویکرد آیکنولوژی پانوفسکی» نوشته رضایی و خودداری نائینی (۱۴۰۲)، ضمن معرفی نسخه خطی دقایق الحقایق و مرتب کردن اوراق آن، ریشه‌های تصویری یکی از نگاره‌های این نسخه بررسی شده است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان *A Seljuq Occult Manuscript and its World: MS Paris person 174* نوشته پیکاک (Peacock, 2020) که بخشی از کتابی درباره هنر و تاریخ سلاجقه روم است، نویسنده تلاش می‌کند با توجه به نسخه خطی دقایق الحقایق، جایگاه علوم غریبه و باور به آن را در دربار سلاجقه آناتولی روشن سازد. در این مقاله نیز اطلاعاتی کلی درباره نسخه، مؤلف و زمان نگارش آن ارائه شده است. در مقاله *The miniatures of the Daqaiq Al-Haqaiq a testimony to the cultural diversity of medieval Anatoli* نوشته باروکاند (Barrucand, 1991) برای اولین بار معرفی کلی این نسخه ارائه شده است.

پژوهش‌های زیادی به ذوالقرنین، سد اسکندر و قوم یاجوج و ماجوج از نظر روایی اختصاص یافته‌اند، اما پژوهش‌های محدودی به نگاره‌های مرتبط با این موضوع پرداخته‌اند. در مقاله «مطالعه معنای متباین نگاره اسکندر در برابر یاجوج و ماجوج سد می‌سازد» در دو نسخه فالنامه پراکنده و توپقایی» نوشته شیخی و رضایی (۱۳۹۸)، نویسندگان عناصر حاکم بر نگاره هر فال را بررسی کرده‌اند که با وجود یکسان بودن موضوع، موجب تفاوت معانی آن‌ها شده است. مقاله «مطالعه تطبیقی نگاره‌های کتاب سعادت و کتاب البلهان بومعشر بلخی» نوشته طاهری (۱۳۹۶)، با انتخاب ده تصویر مشابه از نگاره‌های کتاب سعادت و کتاب البلهان و به شیوه تطبیقی-توصیفی، میزان تأثیرپذیری نسخه سعادت از نسخه البلهان را بررسی می‌کند. یکی از تصاویر مورد مطالعه برای مقایسه این دو کتاب، نگاره سد اسکندر در برابر یاجوج و ماجوج است. در مقاله «تصاویر منقوش یاجوج و ماجوج در اسکندرنامه» خسته نظامی و میزان همخوانی آن با روایات اسلامی و گزارش‌های تاریخی (مطالعه موردی عصر ناصری)»

نوشته لعل شاطری و ناظمیان فرد (۱۳۹۵)، نویسندگان به میزان تطبیق تصاویر موجود در کتاب‌های چاپ سنگی عصر ناصری (۱۳۱۳-۱۳۶۴ق) از این قوم، به‌ویژه خمسه نظامی در بخش اسکندرنامه را با گزارش‌های تاریخی و روایات اسلامی بررسی کرده‌اند در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان *Monsters at the End of Time: Gog and Magog and Ethnic Difference in the Catalan Atlas* در دانشگاه نیومکزیکو، توماس فرانک (Franke, 2014) تلاش می‌کند به تفاوت اندیشه و تصویرسازی قوم یاجوج و ماجوج در نقشه کاتالان بپردازد. یاجوج و ماجوج ویرانگر، مؤلفه مهمی از تفکر آخرالزمانی برای مسیحیان اروپایی قرون وسطی به شمار می‌آیند. در بیشتر نقشه‌های تصویری جهان، این قوم به‌عنوان یهود معرفی شده‌اند؛ اما در نقشه کاتالان که طراحی آن به یک یهودی نسبت داده می‌شود، این قوم به‌عنوان تاتارها معرفی شده‌اند. او برای بررسی این موضوع از تصاویر این قوم در نسخه‌های مختلف نیز استفاده کرده است.

مقاله *Gog and Magog on mappaemundi and Early Printed World Maps: Orientalizing Ethnography in the Apocalyptic Tradition* در مجله *Early Modern History* (Gow, 1998) منتشر شده است. گو معتقد است نقشه‌های جهان در قرون وسطی و اوایل دوره مدرن را نباید صرفاً ابزارهای فنی نسبتاً ابتدایی دانست، بلکه باید آن‌ها را به‌عنوان اسناد فرهنگی درک کرد. او در ادامه به مقایسه و بررسی تصاویر قوم یاجوج و ماجوج در نقشه‌های اروپایی می‌پردازد.

این مطالعه در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، رویکردی نوین در بررسی نگاره سد اسکندر ارائه می‌دهد. برخلاف مطالعاتی که تنها به یک منبع پرداخته‌اند، این پژوهش به‌طور هم‌زمان نسخه دقایق الحقایق و نقشه کاتالان را تحلیل کرده و روایت تصویری این داستان را در دو سنت هنری اسلامی و اروپایی مقایسه می‌کند. علاوه بر بررسی تاریخی و دینی، این پژوهش به شیوه‌ای تطبیقی به تحلیل سبک هنری، عناصر جادویی و روایی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم آخرالزمانی و داستان یاجوج و ماجوج در این دو اثر با رویکردهای متفاوت بازنمایی شده‌اند. همچنین، دامنه مطالعات تصویری را فراتر از نسخه‌های خطی اسلامی گسترش داده و تأثیرات متقابل هنر و فرهنگ شرق و غرب را در بازنمایی این روایت برجسته کرده است.



تصویر ۲. بخشی از صفحات آغازین مونس العوارف
(هیکلی نصیری، ۶۷۰-۶۷۱ ه. ق.، برگ ۱۱۳۷)
Figure 2. A portion of the opening pages of Munes al 'Awarif
(Heykali Nasiri, 1271-1273 CE., fol. 113v).



تصویر ۱. صفحه آغازین دقایق الحقایق، ۶۷۰ ه. ق.، آق سرا، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس
(هیکلی نصیری، ۶۷۰-۶۷۱ ه. ق.، برگ ۵۱۲)
Figure 1. Opening page of Daqa'iq al Haqa'iq, 670 AH, Aqsaray, Bibliothèque nationale de France, Paris
(Heykali Nasiri, 1271-1273 CE., fol. 51r).

است، زیرا نویسنده به تألیف هفت رساله مختلف اشاره می‌کند که سه مورد از آن‌ها را با عنوان‌های «سجنجل الارواح»، «دقایق الحقائق» و «کنوز المعزمین» ذکر کرده است. با این حال، مشخص نیست که کدام صفحات (اگر وجود داشته باشد) از نسخه خطی باقی مانده مربوط به این آثار هستند و آیا واقعاً به آن‌ها تعلق دارند یا خیر. به نظر می‌رسد هیچ‌یک از پنج (یا بیشتر) اثر موجود در نسخه خطی کامل نیستند که ممکن است تا حدی به دلیل صحافی نامناسب آن باشد. همچنین ممکن است که برخی از این آثار هرگز تکمیل نشده باشند. به عنوان مثال، دقایق الحقایق فهرست مطالبی دارد که ناقص است و احتمالاً این اثر هرگز کامل نشده است.

علاوه بر دقایق الحقایق (هیکلی نصیری، ۶۷۰-۶۷۱ ه. ق.)، اثر دیگری در این نسخه دارای عنوان است که محتوای آن کاملاً متفاوت است. این اثر که مونس العوارف نام دارد، منظوم است (تصویر ۲). تاریخ و محل نگارش این دو اثر از روی صفحه عنوان مشخص است. دقایق الحقایق در اکسارای، در مرکز آناتولی، در رمضان ۶۷۰ هجری/آوریل ۱۲۷۲ میلادی نوشته شده، در حالی که مونس العوارف یک سال بعد، در شوال ۶۷۱ هجری/مه ۱۲۷۳ میلادی در قیصریه گردآوری شده است. هر دو این شهرها از مراکز مهمی بودند که سلاطین سلجوقی در آن‌ها کاخ داشتند. احتمالاً می‌توان فرض کرد که تألیف دقایق الحقایق و مونس العوارف

نسخه خطی دقایق الحقایق

نسخه خطی مصور MS Persan 174 که امروزه در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود، با پنجاهویک تصویر عجیب شناخته می‌شود؛ تصاویری که عمدتاً موجودات فراطبیعی، همچون جن، فرشتگان و اجرام آسمانی را نشان می‌دهد. این کتاب تنها نسخه خطی مصوری است که می‌توان آن را به طور واضح به فضای درباری سلجوقیان روم نسبت داد. با این حال، متن فارسی آن با چالش‌های قابل توجهی روبه‌روست که شاید یکی از دلایل کم‌توجهی به آن در مطالعات علمی باشد. احتمالاً در دوره‌ای، پس از رسیدن نسخه به فرانسه در قرن هفدهم، کتاب دوباره صحافی شده است. در این فرایند، بسیاری از صفحات چاب‌جاشده و برخی دیگر، در همان زمان یا پیش از آن، از بین رفته‌اند. در برخی صفحات کتاب نیز متن ظاهراً بر اثر آب آسیب‌دیده است، آسیبی که موجب کمرنگ شدن یا حتی کاملاً ناخوانا شدن آن شده است.

بازسازی متن اصلی کار پیچیده‌ای است چراکه برخی از صفحات نسخه گمشده است. گاهی اوقات به این نسخه خطی با عنوان «دقایق الحقایق» اشاره می‌شود (تصویر ۱)؛ با این حال، این عنوان نام تنها یکی از پنج اثری است که در آن آمده و به موضوعاتی همچون نجوم، طلسمات، فرشتگان، جن، جادو و شعر پرداخته است. در واقع، این نسخه خطی احتمالاً در اصل به مراتب گسترده‌تر بوده



تصویر ۳- بخشی از صفحات شناسنامه (هیکی نصیری، ۱۲۷۰-۱۲۷۱ ه.ق، برگ ۱۱۳۷) Figure 3. A portion of the identification pages (Heykali Nasiri, 1271-1273 CE., fol. 113v).

قایقی شکل به سر دارند. هر مرد سواره بر اسب بر بالای برجی ایستاده‌اند. دو دیوار در میان این سه برج دیده می‌شود و هریک از این مردان چهار دست دارند. آن‌ها با دو دست پایینی طبل را گرفته و در حالی که دو دست دیگر را به بالا آورده‌اند، با دست چپ شیپوری را گرفته و در حال نواختن آن هستند.

بر اساس اجزای تصویر شده، نگاره به سه بخش قابل تقسیم است. در قسمت بالایی تصویر، دو مرد سواره قرار دارند. در بخش میانی تصویر، یک مرد، دو درخت و دو ستون دیده می‌شود و در قسمت پایین تصویر نیز ستونی همراه با دو دیوار آبی‌رنگ قرار دارد که در زیر این بنا صخره‌های صورتی‌رنگ مشاهده می‌شود. سه مرد در تصویر دیده می‌شوند که یکی در وسط و دو مرد دیگر در سمت چپ و راست او قرار گرفته‌اند. همچنین دو درخت در سمت چپ و راست مرد سواره میانی ترسیم شده است. نقاش که تصویر را خام‌دستانه ترسیم کرده از خطوط و جزئیاتی کمی بهره گرفته و همه چیز به صورت کلی ترسیم کرده است. تصویر کاملاً متقارن است؛ همچنین رنگ‌های به‌کاررفته در تصویر به چند رنگ صورتی، آبی سبز، قرمز و قهوه‌ای محدود شده است. برخی از اشکال تصویر نیز دورگیری شده‌اند و از رنگ جوهر پررنگ‌تری برای رسم جزئیات کمک گرفته است.

نگاره فوق روایت تصویری بخشی از داستان سد ساختن اسکندر ذوالقرنین در برابر قوم یاجوج و ماجوج است. این اثر روایتگر زمانی است که سد به‌طور کامل ساخته شده و ذوالقرنین و سپاهیان‌ش منطقه را ترک کرده‌اند. در کتاب دقایق الحقایق ذوالقرنین را همان اسکندر می‌داند. دلیل ساختن این سد شکایت عده‌ای از مردم است که از آسیب و تهاجم این قوم به ستوه آمده

در شهرهای هم‌جوار، در زمان‌های مشابه سال، نشان‌دهنده دوره‌هایی است که سلطان و دربار او به‌طور فیزیکی در آنجا حضور داشته‌اند، چراکه دربار سلجوقی اغلب کوچ‌نشین بودند و تنها به‌طور فصلی به آناتولی مرکزی سفر می‌کردند. (Peacock, 2020, p. 167) این نسخه خطی که احتمالاً به دست خود نویسنده نوشته شده، به سلطان سلجوقی آناتولی، غیاث‌الدین کیخسرو سوم (حکومت ۱۲۶۴-۱۲۸۴ میلادی) تقدیم شده است.

مؤلف کتاب پیشگو، طالع‌بین، ساعت‌ساز و شاعر دربار غیاث‌الدین کیخسرو سوم سلطان جوان سلجوقی روم بوده است (تصویر ۳). او نام کامل خود را «نصیرالدین محمد بن ابراهیم بن عبدالله الرمال المعزم الساعتی الهیکلی نصیری» ثبت کرده است (ریشارد، ۱۲۸۳، ص. ۳۸).

الرمال، المعزم، الساعتی و الهیکلی نشان‌دهنده جایگاه او در دربار است، به بیانی دیگر او در همه علوم غریبه متخصص بوده است. نام مؤلف کتاب در مقدمه بخش اول نیامده است، چراکه به‌طور کلی فاقد مقدمه و احتمالاً از بین رفته است؛ ولی نام محمد بن ابراهیم به‌عنوان مؤلف کتاب چندین بار در نسخه آمده است. احتمالاً نسخه به خط خود مؤلف نوشته شده است. نام مؤلف در نسخه دیگری نیامده است و اطلاعات کمی از او وجود دارد. محل و سال کتابت بخش اول مشخص نیست، اما دقایق الحقایق (هیکی نصیری، ۱۲۷۰-۱۲۷۱ ه.ق) در روز دوشنبه دهم رمضان سال ۶۷۰ در آق سرای و بخش سوم یا مونس العوارف نیز در شوال سال ۶۷۱ در قیصریه تألیف شده است. بخش اول کتاب فاقد مقدمه است، اما در برگه‌ای از بخش اول نام محمد ابن ابراهیم به‌عنوان مصنف کتاب ذکر شده است. به‌طور کلی، نام محمد بن ابراهیم یا لقب نصیری به‌عنوان مؤلف کتاب در همه بخش‌ها تکرار شده است. در جای دیگری از کتاب نیز مؤلف با محمد ابن ابراهیم السجستانی از خودش نام می‌برد.

سد اسکندر این است در نسخه خطی دقایق الحقایق در برگه صد (پ). کتاب تصویری با عنوان سد اسکندر این است وجود دارد که برخی از قسمت‌های آن پاک‌شده است (تصویر ۴). نقاش سه مرد سوار بر اسب، دو مرد در بالا و در چپ و راست و یک مرد در پایین و وسط ترسیم کرده است. در حالی که صورت مردان، پایین‌تنه و سر اسب‌ها از نیم‌رخ و میان تنه مردان از روبه‌رو و تن اسب‌ها سه رخ است. مردان لباسی بلند به تن و کلاهی

می‌آورد و پس از یک سال به‌سوی مشرق حرکت می‌کند. در آنجا بارگاهی بنا می‌کند و به مردمان دستور می‌دهد آهن بسیار فراهم کنند و آن‌ها را به خشت‌هایی تبدیل نمایند. اسکندر به‌سوی کوهی می‌رود که از جنوب تا شمال کشیده شده و میانه آن آسیب‌دیده است و قوم یاجوج و ماجوج از آن بیرون می‌آیند. سپس سازهایی با صدای مهیب فراهم می‌آورد و دستور به نواختن آن‌ها می‌دهد. از صدای مهیب سازها ترسیدند و فرار کردند. پس از فرار آن‌ها، اسکندر خشت‌های آهنین را برای ساختن سد در میانه کوه به کار می‌گیرد و دستور ساخت سه برج را می‌دهد. دو برج بر بالای کوه و یک برج بر میانه کوه. او سه پیکره سوار بر اسب با چهار دست با ساز دهل و بوق بر بالای هر برج قرار می‌دهد و طلسماتی بر آن‌ها می‌خواند. به‌واسطه این طلسمات هرگاه یاجوج و ماجوج سمت سد می‌آیند این سه پیکره به‌واسطه طلسمات شروع به نواختن می‌کنند. یاجوج و ماجوج تصور می‌کنند که اسکندر بازگشته و فرار می‌کنند. گفته می‌شود این سد چهار هزار و پانصد سال است که ساخته شده است.

داستان سد اسکندر در کتاب «دقایق الحقایق» روایتی منحصر به فرد و جذاب ارائه می‌دهد که ترکیبی خلاقانه از عناصر فرهنگی مختلف است. این روایت که با سایر منابع تاریخی و ادبی تفاوت‌هایی دارد، نشان‌دهنده غنای فرهنگی و تبدلات گسترده است. در این داستان، اسکندر پس از ساخت سد در برابر یاجوج و ماجوج، سه برج می‌سازد و بر فراز هر برج، پیکره‌ای سوار بر اسب با چهار دست قرار می‌دهد. این پیکره‌ها در دو دست خود بوق و دهل دارند. هدف از ساخت این مجسمه‌های جادویی آن است که در صورت حمله یاجوج و ماجوج، لوح‌ها سنگین شده و پیکره‌ها شروع به نواختن کنند. این قوم که قادر به دیدن این پیکره‌ها نیستند، با شنیدن صدای ساز گمان می‌کنند اسکندر بازگشته و گریزند. بدین ترتیب در این نگاره، علاوه بر دیوار یا سد، سه پیکره نیز بر فراز برج‌ها مشاهده می‌شود.

داستان سد اسکندر در برابر یاجوج و ماجوج یکی از روایت‌هایی است که در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف به شکل‌های متفاوتی بازگو شده است. این داستان نه تنها در منابع اسلامی، بلکه در متون یهودی و مسیحی نیز جایگاهی ویژه دارد. در منابع یهودی-مسیحی، یاجوج و ماجوج (گوگ و ماگوگ) در کتاب حزقیال (۱۳۸۰) و نیز مکاشفه یوحنا مطرح شده‌اند. این قوم به‌عنوان دشمنان آخرالزمانی معرفی می‌شوند که در زمان قیامت با آن‌ها مبارزه خواهد شد.



تصویر ۴. سد اسکندر، دقایق الحقایق
(هیگلی نصیری، ۶۷۰-۶۷۱ ه. ق، برگ ۱۰۰۷)
Figure 4. Alexander's Wall, Daqā'iq al-Haqā'iq
(Heykali Nasiri, 1271-1273 CE., fol. 100v)

و از اسکندر تقاضای کمک می‌کنند. اسکندر با مراجعه به کتابی به نام مصحف آدم تصمیم به کمک کردن به این افراد می‌گیرد و داستان را این‌گونه نقل می‌کند: چنین آورده‌اند که ذوالقرنین اسکندر علیه‌السلام روزی بر تخت خود نشسته بود ناگاه بانگ و نفیر برآمد حجاب را فرمود که حین دریابد که این چه حالست چون حجاب بیرون آمدند و احوال را از زیردستان پرسیدند زیردستان گفتند که قومی از جانب مشرق بر حضرت پادشاه [؟] آمده‌اند چون حجاب احوال را نیک تجسس کردند که قومی بود از سر ضرورت بر حضرت دادخواه آمده بود از آن پیری را بر خود خواندند و احوال را باز دانستند که ایشان از سه سال راه آمده بود از دست یاجوج و ماجوج ... ذوالقرنین همان باب فروماند و بعد از آن کتاب بود سر آدم صفی مانده بود و نام آن کتاب انکلیدون بود ... و به زبان عرب مصحف آدم خوانند و اسکندر ذوالقرنین نیز در آن کتاب مطالعه کرد و احوال یاجوج و ماجوج را در آن کتاب حق تعالی یاد کرده بود و هم در آن کتاب فرموده بود که اسکندر چاره آن قوم بکند (هیگلی نصیری، ۶۷۰-۶۷۱ ه. ق، fol. 102r).

پس از آن، او دستور می‌دهد برای این امر، هر کشوری لشکر خود را آماده کند. اسکندر سپاهی عظیم گرد

یاجوج و ماجوج به عنوان اقوامی مخرب و ویرانگر آخرالزمانی معرفی می‌شوند که در پایان زمان آزاد خواهند شد و جهان را به نابودی خواهند کشاند.

رمان اسکندر کبیر که یکی از مهم‌ترین و محبوب‌ترین افسانه‌های دوران باستان و قرون وسطی به شمار می‌رفت، نقشی اساسی در شکل‌گیری و گسترش این افسانه داشت. در این روایت‌ها، اسکندر به قهرمانی تقریباً افسانه‌ای تبدیل می‌شود که به دورترین نقاط جهان سفر می‌کند و اعمال زیادی انجام می‌دهد.

نسخه یونانی اولیه رمان اسکندر به نظر می‌رسد در اواخر قرن سوم میلادی در اسکندریه شکل گرفته باشد. این متن به سرعت محبوب شد و متناسب با محیط فرهنگی یا ملی خوانندگان مختلف، بازنویسی و تطبیق داده شد. رمان اسکندر در نسخه‌ها و زبان‌های گوناگونی به شرق و غرب گسترش یافت. قدیمی‌ترین نسخه‌های این رمان شامل نسخه‌های لاتین (قرن چهارم میلادی) و ارمنی (قرن پنجم میلادی) هستند. نسخه سریانی این رمان یکی از جالب‌ترین نسخه‌های شرقی آن است که به قرن هفتم میلادی بازمی‌گردد و بسیار شبیه به نسخه یونانی قدیمی است. ویرایشگر سریانی، احتمالاً یک مسیحی سریانی، تعدادی از قسمت‌های ناشناخته را به متن اضافه کرده است. باین‌حال، داستان ساخت دیوار اسکندر علیه یاجوج و ماجوج در قدیمی‌ترین نسخه‌های یونانی، لاتین، ارمنی و سریانی یافت نمی‌شود. اگرچه رمان اسکندر نقش مهمی در گسترش تصویر جدید و فراطبیعی از اسکندر در شرق و غرب داشت، اما داستان دیوار اسکندر از این متن الهام نگرفته است. تلفیق موضوع دیوار اسکندر با سنت کتاب مقدس درباره قوم‌های آخرالزمانی یاجوج و ماجوج برای اولین بار در متنی به نام افسانه اسکندر سریانی ظاهر می‌شود. در این متن، اسکندر در حال محصور کردن اقوام ناپاک یاجوج و ماجوج پشت دروازه‌های آهنین در فضایی آخرالزمانی توصیف می‌شود. این متن به عنوان ضمیمه‌ای کوتاه به نسخه‌های خطی سریانی رمان اسکندر اضافه شده است (Donzel et al., 2010, p. 17). تلفیق داستان یاجوج و ماجوج با افسانه اسکندر، دروازه‌های آهنین و پیش‌بینی‌های آخرالزمانی در قرون اولیه مسیحیت و اسلام در این نسخه سبب انتشار این روایت در سراسر خاورمیانه شد (Bietenholz, 1994, p. 123).

انتشار و ادغام این دو روایت نه تنها در نسخه‌های بعدی افسانه اسکندر، بلکه در قرآن نیز ذکر شده و در مکاشفات متیودیوس دروغین نقشی مهم دارد.

در منابع اسلامی نیز یاجوج و ماجوج به عنوان اقوامی مخرب و ویرانگر معرفی شده‌اند که توسط ذوالقرنین (که معمولاً با اسکندر کبیر یکی دانسته می‌شود) با ساخت سدی از آهن و مس در برابرشان مهار شده‌اند. این روایت در قرآن کریم (سوره کهف، آیات ۸۳-۱۰۱) آمده است و مفسرانی چون طبری به تفسیر و بسط این داستان پرداخته‌اند. بازتاب تصویرسازی این روایت دینی را در آثار گوناگون نگارگری ایرانی-اسلامی نیز می‌توان مشاهده کرد.

سد اسکندر در مقابل یاجوج و ماجوج در نقشه‌های تصویری جهان

در نخستین قرن پس از مرگ اسکندر، احتمالاً در اسکندریه، برخی مطالب افسانه‌ای در قالب نوشته‌ای که با عنوان رمانس اسکندر شناخته می‌شود، گرد آمد. این نوشته‌ها بعدها به اشتباه به کالیستنس تاریخ‌نگار نسبت داده شد و از این رو با عنوان سودو-کالیستنس یا کالیستنس دروغین شناخته می‌شود. در بخشی از این افسانه‌ها به سد اسکندر نیز اشاره شده است. سد اسکندر (یا سد یاجوج و ماجوج) در منابع غربی و اروپایی به عنوان ساختاری افسانه‌ای شناخته می‌شود که در روایات مذهبی و ادبیات قرون وسطی به آن اشاره شده است. بر اساس روایت‌های کهن، این سد توسط اسکندر مقدونی (الکساندر کبیر) ساخته شده تا اقوام وحشی و مخرب گوگ و ماگوگ (یاجوج و ماجوج) را در پشت آن محصور کند و از حملات آنان به سایر نقاط جهان جلوگیری نماید. باور به نزدیک بودن پایان جهان و روز داوری نهایی، یکی از اعتقادات مهم و رایج در دین و فرهنگ اروپای پیشامدرن بود که از مضامین یهودی یا ایرانی تأثیر پذیرفته بود (Bietenholz, 1994, p. 118). این موضوع تأثیر عمیقی بر نقشه‌های جهان و نقشه‌های ابتدایی گذاشت. این باورها که در ابتدا مفاهیمی انتزاعی مذهبی و آخرالزمانی بودند و صرفاً به صورت نظری بیان می‌شدند، توسط مسیحیان قرون وسطی و اوایل دوران مدرن به اشکال ملموس و عینی تبدیل شدند. یکی از برجسته‌ترین تجلیات این اضطراب‌های آخرالزمانی، افسانه‌ی یاجوج و ماجوج بود (Reinink, 2006, p. 163). این داستان قرون وسطایی بر اساس تغییر روایت کتاب مقدس عهد جدید از «گوگ از سرزمین ماگوگ» (حزقیال، ۱۲۸۰، صص. ۳۸-۳۹) در مکاشفه (۷: ۲۰-۸) به گوگ و ماگوگ شکل گرفت. این اقوام برساخته از طریق افسانه‌ها و داستان‌های محبوب، به‌ویژه چرخه اسکندر، از محدوده محافل کلیسایی فراتر رفتند. در این افسانه،

جدول ۱. داستان سد اسکندر در نگارگری ایرانی-اسلامی
Table 1. The story of Alexander's Wall in Iranian-Islamic miniature painting

| | |
|---|--|
| <p>در نقشه ادیسی که در سال ۵۴۸ ه. ق. تهیه شد، یاجوج و ماجوج در شمال چین و پشت دیواری بزرگ به نمایش درآمده‌اند. این تصویرسازی‌ها نشان می‌دهد که داستان گوغ و ماگوگ از منابع اروپایی و سریانی وارد ادبیات اسلامی و نگارگری ایرانی شده است.</p> |  <p>تصویر ۵. سرزمین قوم یاجوج و ماجوج پشت دیوار، نقشه ادیسی از جهان، قرن ۶ ه. ق. (Jacobs, 2023)</p> <p>Figure 5. The land of Gog and Magog behind the wall, All-Drisi's world map, 6th century AH (Jacobs, 2023)</p> |
| <p>یکی از کهن‌ترین تصاویر شناخته‌شده در نگارگری اسلامی با موضوع اقوام یاجوج و ماجوج در نسخه‌ای از کتاب «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» اثر قزوینی، مربوط به سال ۶۷۸ هجری قمری است. در این نگاره، این اقوام به صورت انسان‌هایی برهنه با گوش‌های بزرگ تصویر شده‌اند، بدون آن‌که ارتباطی با اسکندر یا سد معروف او داشته باشند. در اغلب نسخه‌های «عجایب المخلوقات»، یاجوج و ماجوج بدون اشاره به سد اسکندر و بر اساس نوشته‌هایی که در تفاسیر یا سایر کتب آمده است، نمایش داده شده‌اند.</p> |  <p>تصویر ۶. قوم یاجوج و ماجوج، عجایب المخلوقات و غرایب المخلوقات قزوینی، ۶۷۸ ه. ق.، کتابخانه باواریا، مونیخ (قزوینی، قرن ۷ ه. ق. - الف، برگ 207b).</p> <p>Figure 6. Gog and Magog, 'Ajāyeb alMakhlūqāt wa Gharāyeb alMakhlūqāt' by Qazvīnī, 678 AH, Bavarian State Library, München (Qazvīnī, ca. 13th CE.-a, folio 207b)</p>  <p>تصویر ۷. قوم یاجوج و ماجوج، عجایب المخلوقات و غرایب المخلوقات قزوینی، ۶۹۹ ه. ق. (قزوینی، قرن ۷ ه. ق. - ب، برگ 131v).</p> <p>Figure 7. Gog and Magog, 'Ajāyeb alMakhlūqāt wa Gharāyeb alMakhlūqāt' by Qazvīnī, 699 AH (Qazvīnī, 7th century AH-b, fol. 131v)</p> |
| <p>در یکی از نگاره‌های شاهنامه بزرگ مغولی (متعلق به اواسط قرن هشتم هجری قمری)، صحنه‌ای از ساخت سد آهنین اسکندر نمایش داده شده است. در این تصویر، یاجوج و ماجوج از پشت رشته‌کوهی کم ارتفاع در سمت چپ تصویر، به آهنگران و صنعتگرانی نگاه می‌کنند که مشغول کار بر روی سد هستند.</p> |  <p>تصویر ۸. ساختن اسکندر سد آهنین را، شاهنامه بزرگ مغول، دوره ایلخانی، تبریز، حدود ۷۰۹-۷۱۵ ه. ق.</p> <p>(Iskandar builds the iron Rampart, ca. 1335 CE.)</p> <p>Figure 8. Alexander building the iron rampart, Great Mongol Shāhnāmah, Ilkhanid period, Tabriz, ca. 709-715 AH (Iskandar builds the iron rampart, ca. 1335 CE.)</p> |
| <p>در نسخه دیگری از شاهنامه، متعلق به دوره اینجویان (در سال ۷۴۱ هجری قمری)، سد اسکندر به شکل دیواری مورب ترسیم شده که یاجوج و ماجوج را از اسکندر و همراهانش جدا می‌کند. البته این نسخه از نظر طراحی و رنگ‌آمیزی به کیفیت نسخه‌های عصر ایلخانی نمی‌رسد.</p> |  <p>تصویر ۹. اسکندر به یاجوج و ماجوج خیره شده است، شاهنامه قوام الدین حسن [۷۴۱ ه. ق. شیراز]. (Iskandar betragter folkene Gog og Mago, Ca. 1341 CE.)</p> <p>Figure 9. betragter folkene Gog og Mago, Shāhnāmah of Qiwām alDīn Hasan, 741 AH, Shiraz (Iskandar betragter folkene Gog og Mago, ca. 1341 CE.)</p> |

| | |
|---|--|
| <p>در نسخه البهان، نگاره تمام صفحه با عنوان «القول علی سد یاجوج و ماجوج» تصویر شده است. هنرمند گویی از درون سرزمین‌های یاجوج و ماجوج به صحنه نگاه می‌کند. فضای تصویر به دو بخش تقسیم شده است. بر بالای این سد قوس‌دار خاکستری رنگ که در میان دو صخره کم ارتفاع صورتی رنگ واقع شده، دو سوار به صورت خودکار و دائمی مشغول نواختن دهل و سنا هستند. طبق داستان، دلیل نواختن موسیقی بلند در خارج از دیوار اسکندر این بود که پس از رفتن ارتش او، مردم وحشی یاجوج و ماجوج تصور کنند که هنوز تعداد زیادی از مردم در خارج از دیوار در حال نگهداری از مانع هستند (Carboni, 2013, p. 32). در فضای زیرین یاجوج و ماجوج موجودات عریان با پوستی تیره تصویر شده‌اند. آن‌ها با زبان‌های زبر خود دیوار را می‌لیسند و به امید یافتن راه خروجی هستند. چند تن از آنان سوار بر اژدهایی‌اند، درحالی که یکی از آنان دهان خود را بر اژدها نهاده و مشخص نیست که اژدها وسیله حمل یا غذای آن‌ها است.</p> |  <p>تصویر ۱۰. القول علی سد یاجوج و ماجوج، البهان، ۷۳۱-۸۵۴ ه.ق. (Al-Miṣrī, late 14th CE., 38a) Figure 10. <i>Al-Qawl 'alā Sadd-i Yājūj wa Mājūj</i> (Discourse on the Rampart of Gog and Magog), <i>Kitāb al-Bulhān</i>, 731-854 AH (Al-Miṣrī, late 14th CE., fol. 38a)</p> |
| <p>نسخه دیگری از این نگاره در کتاب مطالع السعاده، متعلق به دوران سلطنت مراد سوم عثمانی دیده می‌شود. این کتاب نسخه ترکی کتاب البهان است و مانند نسخه البهان موضوعات مشابهی را در برمی‌گیرد. در ادامه تصویرسازی از وقایع زندگی اسکندر کبیر، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای افسانه‌ای اسکندر را نشان می‌دهد، یعنی برای دیوار عظیم آهنی که جمعیت‌های وحشی یاجوج و ماجوج را از دنیای متمدن دور نگه می‌دارد. این نگاره تصویرسازی زنده داستان قرآنی را دنبال می‌کند و تقریباً کپی دقیقی از نقاشی مربوطه در کتاب البهان است. دیوار که از بلوک‌های آهنی ساخته شده و با برنز مذاب پوشانده شده تا آن قدر صاف باشد که بالا رفتن از آن غیرممکن باشد، به صورت مانعی آجری به رنگ بنفش با بخش بالایی پله‌ای تصویر شده است. عظمت آن با اندازه کوچک ساکنان سرزمین‌های یاجوج و ماجوج در پیش‌زمینه نشان داده شده است. چهار نفر از قوم یاجوج و ماجوج سوار بر مار بزرگی هستند، درحالی که هفت نفر دیگر با ناامیدی سعی در بالا رفتن از دیوار یا فرسایش سطح آن با لیسیدن زبان‌های زبرشان دارند. رفتار وحشیانه آن‌ها توضیحی است برای این که چرا باید محبوس نگه‌داشته شوند.</p> <p>در سمت دیگر دیوار، دنیای متمدن در بخش بالایی نقاشی به صورت منظرامی صخره‌ای و تپه‌ماهور با یک درخت بزرگ در مرکز و آسمانی طلایی نمایش داده شده است. در هر طرف دیوار، دو سوارکار در حال نواختن آلات موسیقی هستند، یک شیپور بلند در سمت چپ و یک طبل در سمت راست. اندازه بزرگ آن‌ها بار دیگر تفاوت بین دنیای متمدن و وحشی را برجسته می‌کند.</p> |  <p>تصویر ۱۱. تصویر سد یاجوج و ماجوج، مطالع السعاده، ۹۹۰ ه.ق. (El-Saūdi, 1582 CE., fol. 76r) Figure 11. The Rampart of Gog and Magog, <i>Maṭāli' alSa'ādah</i>, 990 AH (El-Saūdi, 1582 CE., fol. 76r)</p> |

چشم‌اندازهای آخرالزمانی در ادبیات سریانی شامل بخش ساخت دروازه‌های آهنین اسکندر نباشند، اما همه این متون با این ایده آشنا بودند که یاجوج و ماجوج پشت سدی محصور شده‌اند و روزی از مرزهای شمالی رهایی خواهند یافت (Donzel et al., 2010, pp. 21-22).

این افسانه توسط راهبی به نام پیتر به لاتین ترجمه شد و به سرعت در سراسر اروپای غربی گسترش یافت. در این نسخه، اقوام وحشی و ناپاک که در ابتدا توسط اسکندر محصور شده بودند، با گوگ و ماگوگ، نابودگران آخرالزمانی، همسان دانسته شدند و به یکی از عناصر مهم در افسانه‌های آخرالزمانی و نقشه‌نگاری‌های غربی تبدیل شدند (Bietenholz, 1994, p. 123).

این افسانه‌ها و باورها به تدریج به شکل‌گیری و تقویت نگرش‌های خاصی نسبت به جهان و آینده آن در دوران پیشامدرن انجامیدند و تا مدت‌ها تأثیرات عمیقی بر فرهنگ و هنر اروپایی داشتند. نقشه‌ها و نسخه‌های قرون وسطی به طور مکرر مکان‌های سکونت یاجوج و

مکاشفات متیودیوس دروغین که در اواخر قرن هفتم میلادی به زبان سریانی نوشته شده بود، تأثیر زیادی بر افسانه‌های آخرالزمانی مسیحیت در قرون وسطی گذاشت. این نوشته نخستین منبع در سنت مسیحی است که عنصر جدیدی را معرفی می‌کند: اسکندر پس از مشاهده شیوه زندگی ناپاک این قوم، از خداوند می‌خواهد دو کوه به هم نزدیک شوند تا شکافی باریک ایجاد گردد و سپس با دروازه‌های آهنین راه بر یاجوج و ماجوج بسته شود (Donzel et al., 2010, p. 21).

از اواسط قرن هفتم میلادی به بعد، وضعیت سیاسی در شمال میان‌رودان به طور چشمگیری تغییر کرد. از یکسو، تهاجمات مکرر هون‌ها همچنان تهدیدی برای جمعیت مسیحی بود و از سوی دیگر، مواجهه با اسلام به بحران سیاسی انجامید و موجب شکل‌گیری شمار زیادی از نوشته‌های آخرالزمانی سریانی شد. در واقع، شمال میان‌رودان در طول قرن‌های هفتم و هشتم میلادی به مرکز فعالیت‌های ادبی آخرالزمانی تبدیل شد. تمامی متون سریانی مرتبط با موضوع دروازه یا سد اسکندر از این منطقه سرچشمه گرفتند. حتی اگر همه



کیهان‌شناسی است. این نمودارها شامل روزهای ماه، داده‌های جزر و مد (تقسیم‌شده به هشت باد)، مدلی برای تعیین روزهای عیدهای مذهبی^۲ با کمک عدد طلایی و فصد خون^۳ است.

در پانل دوم یک نمودار چرخ‌دنده بزرگ با تقویم‌های خورشید، ماه، سیارات، فصول و برج‌های فلکی وجود دارد. این چرخ‌دنده تقویمی عظیم از دوران باستان تأثیر گرفته است، به طوری که دایره‌های داخلی آن نمایانگر درک بطلمیوسی از زمین و چهار عنصر در وسط و هفت سیاره در حال گردش به دور آن هستند (همراه با خورشید و ماه). پیکربندی بخش اول نقشه مطابق با تصور قرون وسطایی از کیهان است که در آن بدن انسان به عنوان عالم صغیر در نظر گرفته می‌شد؛ زیرا عناصر، مزاج‌ها و اندام‌ها مستقیماً به جهان مرتبط بودند و تحت کنترل آن قرار داشتند (Huffman, 2017, p. 4) پانل‌های سوم تا ششم نقشه‌ای از دنیای شناخته‌شده در سال ۱۳۷۵ را تشکیل می‌دهند که بر جهت‌گیری شرق-غرب تأکید دارد. نقشه کاتالان یک نقشه انتقالی است؛ مرحله‌ای میانی بین انواع نقشه‌هایی که در قرون وسطی ساخته می‌شدند و نقشه‌های تولیدشده در دوره اولیه مدرن. نقشه‌های این نوع معمولاً نواحی مدیترانه و دریای سیاه را به خوبی ترسیم می‌کنند که مستقیماً از نقشه‌های پرتالان مشتق شده‌اند. با این حال، دقت نقشه‌ها در خارج از این نواحی کاهش می‌یابد و منابع کتاب مقدس بر حاشیه‌های نقشه غالب می‌شوند (Harley & Woodward, 1987, p. 340).

جهت‌گیری این نقشه شبیه به یک پورتالان است که یک نقشه دریانوردی قرون وسطایی بود و دریانوردان از آن برای مسیریابی در دریاهای آزاد استفاده می‌کردند. این نقشه برای قرارگیری به صورت مسطح طراحی شده بود و شمال در پایین نقشه قرار داشت. نقشه به گونه‌ای ترسیم شده بود که مشابه یک پورتولانو، می‌توانست بسته به ویژگی‌های مورد توجه بیننده در جهات مختلف چرخانده شود. از این رو، بسیاری از مکان‌ها و مردمانی که در نقشه به تصویر کشیده شده‌اند، زمانی که نقشه به صورت عمودی مشاهده می‌شود، وارونه به نظر می‌رسند (Estow, 2004, p. 6).

هسته نقشه اما بر اساس نمودارهای دریانوردی پرتالان ساخته شده است که دریانوردان از آن‌ها برای حرکت در آب‌های آزاد با کمک قطب‌نما و انتقال از بندری به بندر دیگر استفاده می‌کردند. این نقشه‌ها روی میزهای نقشه‌خوانی کشتی‌ها قرار می‌گرفتند و متناسب با جهت کشتی چرخانده می‌شدند. تأثیر نقشه‌های

مأجوج و همچنین محل سد آن‌ها را نشان می‌دهند. در قرن دوازدهم، مسیحیان غربی عمدتاً به این باور رسیدند که مأجوج و مأجوج همان ده قبیله گمشده اسرائیل هستند که توسط اسکندر پشت دیواری نفوذناپذیر تا پایان زمان محصور شده‌اند و در زمان ظهور ضد مسیح از این دیوار خواهند شکست و جهان را ویران خواهند کرد. نقشه‌های جهان، از اواخر دوران باستان تا قرون وسطی، معمولاً از اصطلاح مأجوج و مأجوج برای اشاره به این ویرانگران آخرالزمانی استفاده می‌کردند و آن‌ها را در شمال شرقی آسیا، پشت دیوار یا کوه‌های بزرگ نشان می‌دادند. اشاره کتاب حزقیال (۱۲۸۰) به شمالی بودن این قوم در این امر بی‌تأثیر نبوده است (Gow, 1998, p. 2).

نقشه‌های بعدی قرون وسطی و اوایل دوران مدرن نیز این سنت را ادامه دادند؛ با این تفاوت که به تدریج این افسانه‌ها با واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی آن زمان تطبیق بیشتری یافتند و به مرور از اعتبار آن‌ها کاسته شد. در این دوره، قبایل گمشده در برخی روایت‌ها در منطقه خاورمیانه ظاهر می‌شوند.

نقشه کاتالان ۱۳۷۵/۵۷۷۶ م

آبراهام کرسکس^۱، نقشه‌نگاری اهل مایورکا بود که در اواسط قرن چهاردهم زندگی می‌کرد. در دهه ۱۳۷۰ میلادی، او اطلس کاتالان را تهیه کرد که دقیق‌ترین نمایش جهان شناخته‌شده در آن زمان بود. این اطلس به سفارش پادشاه فرانسه، شارل پنجم، ساخته شد و هنوز در کتابخانه ملی فرانسه^۲ نگهداری می‌شود. طراحی آن مطابق با اصول نقشه‌های تصویری از جهان است که مناطق شناخته‌شده زمین و مردمانی که در آن‌ها زندگی می‌کردند را به تصویر می‌کشید (Cresques, ca 1375) (CE.; Estow, 2004, p. 3).

شکل اصلی اطلس شامل شش پانل چوبی بزرگ است که یک طرف آن با پوست گاو پوشانده شده و سپس رنگ و تزئین شده است. این نقشه در ابتدا شامل شش صفحه پوستی بزرگ بود که به صورت عمودی تاشده بودند. بعدها، صفحات روی شش تخته چوبی نصب شدند (Huffman, 2017, p. 3)؛ اما به دلیل فرسایش در طول زمان، نقشه به دوازده نیم‌برگ تاشد و روی تخته‌هایی نصب گردید تا به صورت پرده‌ای تاشو قابل استفاده باشد و حمل و نگهداری آن را آسان‌تر کند، با این حال منجر به سایش شدید لبه‌ها شد (Estow, 2004, P. 4).

پانل اول شامل متون و نمودارهای نجومی، اختربینی و

1. Abraham Cresques

2. Bibliothèque nationale de France

3. Movable feast از شکیلی

جشن‌های مذهبی که تاریخ آن

هرسال متغیر است

۴ بسیاری از توصیف‌های مربوط

به روزهای ماه به صورت فرمولوار

هستند و اشاره می‌کنند که آیا آن

روز برای کاشت محصولات، زایمان،

باردار شدن، سفر یا خرید و فروش کالا


مناسب است یا خیر.

مطالعه تطبیقی نگاره سد اسکندر در مقابل یاجوج و ماجوج در نسخه خطی نقایق الحقایق نصیرالدین محمد هیکلی (۱۲۷۶/۱۲۷۷م) و نقشه کاتالان (۱۲۷۶/۱۲۷۷م) / فلژر ضایبی - علیرضاطاهری

جدول ۲. تصویر قوم یاجوج و ماجوج و سد اسکندر در نقشه تصویری جهان
Table 2. Depiction of Gog and Magog and the Rampart of Alexander in pictorial world maps.

| | |
|--|---|
| <p>این نقشه یاجوج و ماجوج را در کنار اقیانوس شمالی، در غرب دریای خزر قرار می‌دهد و ده قبیله گمشده در خاورمیانه ظاهر می‌شوند. نویسنده نقشه هنوز این مردمان را با یکدیگر مرتبط ندانسته است. این دو افسانه به‌طور جداگانه بررسی شده‌اند (The Cottoniana or Anglo-Saxon Map, ca. 995 CE.; Honorius Augustodunensis, 1188 CE.)</p> |  <p>تصویر ۱۲. بخشی از نقشه آنگلو ساکسون کاتونیا، ۹۹۵-۱۰۵۰ م. (Cotton, n.d., fol. 56) Figure 12. Detail of the Anglo-Saxon Cotton Map, 995-1050 CE (Cotton, n.d., fol. 56)</p> |
| <p>نقشه ساولی دیدگاهی جهانی ارائه می‌دهد که بر اساس آثار دوران باستان کلاسیک استوار است، اما با الهیات مسیحی روشن شده است. این نقشه، نه تنها به مکان‌های جغرافیایی و اسطوره‌های گذشته و حال اشاره دارد، بلکه نگاهی به آینده نیز دارد. در این نقشه، قوم یاجوج و ماجوج (گگ و ماگوگ) که در کتاب مقدس به‌عنوان «نژادی ناپاک» معرفی شده‌اند و در آخرالزمان از حصر آزاد می‌شوند، در شمال آسیا و در آن سوی دریای خزر به تصویر کشیده شده‌اند. نقشه همچنین شامل چهار فرشته در گوشه‌های مختلف است و به وقایعی اشاره دارند که در کتاب مکاشفه پیش‌بینی شده‌اند. به‌ویژه، فرشته‌ای در گوشه بالا، سمت چپ نقشه به تصویر یاجوج و ماجوج اشاره می‌کند و نشان‌دهنده آزاد شدن آن‌ها از حصر و اعلام فرارسیدن زمان داوری است (The Cottoniana or Anglo-Saxon Map, ca. 995 CE.; Honorius Augustodunensis, 1188 CE.)</p> |  <p>تصویر ۱۳- بخشی از نقشه ساولی، ۱۱۸۰-۱۲۹۹ م. (Imago Mundi. Chronica. Itinera in Terram Sanctam etc., ca. century 13th- 14th CE., MS. 66) Figure 13. Detail of the Sawley Map, 1180-1299 CE (Imago Mundi. Chronica. Itinera in Terram Sanctam etc., ca. century 13th-14th CE, MS 66)</p> |
| <p>در نقشه ابستورف، همان‌طور که در مکاشفات متودیوس دروغین آمده، یاجوج و ماجوج آدم‌خوار هستند؛ آن‌ها در منطقه‌ای در شمال شرقی که توسط کوه‌ها محصور شده است، تصویر شده‌اند و گذرگاهی به نام دروازه کاسپین^۵ از میان این کوه‌ها می‌گذرد. این موجودات در حال خوردن اعضای بدن انسان (که به‌وضوح پاها و دست‌ها قابل تشخیص‌اند) و نوشیدن خون جاری از آن‌ها نشان داده شده‌اند؛ قربانی بدون دست و پای نیز به تصویر کشیده شده است. خطوط قلعه‌مانند نشان‌دهنده دیوارهایی هستند که گفته می‌شود اسکندر کبیر برای محافظت اضافی در اینجا ساخته است. بر اساس توضیحات، اسکندر دو ملت وحشی یاجوج و ماجوج را که همراهان دجال خواهند بود، محصور کرده است. آن‌ها گوشت انسان می‌خورند و خون او را می‌نوشند (Anderson, 1932, p. 304).</p> |  <p>تصویر ۱۴. بخشی از نقشه ابستورف، گگ و ماگوگ، حدود قرن ۱۳ م، آلمان (Schmudlach, 2012) Figure 14. Detail of the Ebstorf Map, Gog and Magog, ca. 13th century CE, Germany (Schmudlach, 2012)</p> |
| <p>این بنای باشکوه با عنوان «اردگاه اسکندر کبیر» برچسب‌گذاری شده است. در قرون وسطی، افسانه‌های بسیاری درباره ماجراهای عجیب و اعمال قهرمانانه اسکندر کبیر رواج داشت. علاوه بر بارگاه اسکندر داستان آدم‌خواری در نقشه جهان هرفورد نیز تکرار شده است. در یک شبه‌جزیره پنج‌ضلعی که از چهار طرف توسط کوه‌ها و از جنوب توسط دیواری محصور شده است. نوشته‌ها بیان می‌کنند که وحش‌های این مکان بیش از آن چیزی است که می‌توان تصور کرد، هوای آنجا به طرز غیرقابل‌تحملی سرد است و یک باد برنده از کوه‌ها می‌وزد. ساکنان این منطقه بی‌فرهنگ، از گوشت و خون انسان تغذیه می‌کنند، از نسل فرزندان نفرین‌شده قابیل هستند و خداوند آن‌ها را از طریق اسکندر بزرگ محصور کرده است. در حضور اسکندر، زلزله‌ای کوه‌ها را در اطراف آن‌ها فرو ریخت و در جایی که کوهی وجود نداشت، اسکندر دیواری ساخت. در جنوب این دیوار، نوشته دیگری بیان می‌کند که کسانی که در اینجا محصور شده‌اند، همان آدم‌خوارانی هستند که در زمان ظهور دجال از آنجا بیرون خواهند آمد و جهان را ویران خواهند کرد (Strickland, 2018, p. 431).</p> |  <p>تصویر ۱۵. بخشی از نقشه هرفورد، بارگاه اسکندر، حدود ۱۳۰۰ م (Hereford Cathedral, Ca. 1300 CE.) Figure 15. Detail of the Hereford Map, Alexander's court, ca. 1300 CE (Hereford Cathedral, ca. 1300 CE)</p> |

1. Mappamundi
2. Cottonian Anglo-Saxon map
3. Sawley
4. Ebstorf
5. Porte Caspie
6. Hereford

| | |
|--|---|
| <p>در شمال آسیا و در شبه جزیره‌ای که به‌طور برجسته به داخل دریا کشیده شده است، نوشته شده: «یاجوج و ماجوج از قبایل یهود که اسکندر آن‌ها را در کوه‌ها محصور کرد». یاجوج و ماجوج از این زمان به بعد، به دنبال روندی که در تفاسیر عامه قرون دوازدهم شکل گرفت، به‌طور مکرر در نقشه‌های جهان با یهودیان، به‌ویژه ده قبیله گمشده یهود، اشتباه گرفته شدند. باین‌حال، برخورد نقشه بیانکو در نشان دادن یاجوج و ماجوج با سایر نقشه‌ها متفاوت است. بیانکو این سرزمین را به‌عنوان بخشی از آسیا به تصویر می‌کشد که به داخل مرز آبی اطراف نقشه‌اش امتداد دارد (Gow, 1998, p. 13).</p> |  <p>تصویر ۱۶. بخشی از نقشه آندریا بیانکو^۱، ۱۴۳۶ م، ایتالیا، کتابخانه امبروزیانا، ابعاد نقشه ۲۹ × ۳۸ cm. (Bianco, 1432-1436 CE., p. 10) Figure 16. Detail of the Andrea Bianco map, 1436 CE, Italy, Biblioteca Ambrosiana, map dimensions: 29 × 38 cm (Bianco, 1432-1436 CE., p. 10)</p> |
|--|---|

تقویت می‌کند که شمال جهان از بقیه مناطق جداست. در نیمه بالای سمت راست نقشه، اسکندر کبیر به تصویر کشیده شده است. در این تصویر، گفته شده که شیطان به یاری او آمده تا تارتارهای یاجوج و ماجوج را زندانی کند. اسکندر سپس دو مجسمه برنزی ساخت تا با طلسمی آن‌ها را در بند نگه دارد. این اشاره به دروازه‌های است که بنا به گفته‌ها، اسکندر در کوه‌های خزر بنا کرده تا یاجوج و ماجوج را که در اینجا با قبایل مختلف آسیای مرکزی برابر شده‌اند، محصور کند (Gow, 1998, p. 9).

متن نقشه به‌طور ویژه به «قبیله‌هایی اشاره می‌کند که هیچ اصول اخلاقی‌ای درباره خوردن گوشت خام ندارند... و نیز به ملتی که دجال از آن بر خواهد خاست»؛ باین‌حال تصریح می‌کند که این ملت در نهایت نابود خواهد شد. در بخش دیگری از متن آمده است که اسکندر دو مجسمه برنزی به شکل شیپور نصب کرده است که بر اساس افسانه‌های قرون وسطایی، با وزش باد از آن‌ها صدایی برمی‌خاست و تارتارها را می‌ترساند؛ تا زمانی که این شیپورها به‌وسیله پرنده‌ها و حیوانات مختلف مسدود شدند. این متن به‌گونه‌ای آزادانه افسانه‌های قرون وسطایی درباره اسکندر را با سنت‌های بابلی ترکیب کرده است. این موضوع در صحنه‌ای نشان داده می‌شود که در آن «ارباب بزرگ و فرمانروای گوگ و ماگوگ» همراه با پیروانش - که پرچم‌هایشان نقش دیو دارد - در حال حرکت است. او در زمان دجال با بسیاری از پیروانش قیام خواهد کرد؛ اما در نهایت، طبق پیش‌بینی‌های کتاب مکاشفه (۲۰: ۷-۱۰) شکست خواهد خورد (Gow, 1998, p. 10).

پرتالان^۲ بر اطلس کاتالان را می‌توان در چگونگی جهت‌گیری تصاویر و متون نسبت به جهات مختلف مشاهده کرد که نشان می‌دهد این نقشه برای بررسی از یک موقعیت ثابت طراحی نشده بود، بلکه هدف آن تشویق به چرخش و مشاهده از زوایای گوناگون بوده است. البته نقشه کاتالان هرگز به‌عنوان یک ابزار کاربردی طراحی نشده بود؛ بلکه هدف آن بهره‌برداری ایدئولوژیک در یک کتابخانه سلطنتی بود. در این مورد خاص، اطلس کاتالان هدیه‌ای بود که توسط پادشاه برای خود سفارش داده شده بود، اما نکته این است که او از نقشه به‌عنوان یک هدیه در مطالعه خصوصی خود لذت می‌برد (Huffman, 2017, p. 4).

یاجوج و ماجوج در نقشه کاتالان

یاجوج و ماجوج در نقشه کاتالان به شکل برجسته‌ای به تصویر کشیده شده‌اند (تصویر ۱۷ و ۱۸). در گوشه شمال شرقی آسیا و در محاصره کوه‌های خزر، یک شخصیت سوار بر اسب به نام «ارباب بزرگ، شاهزاده گوگ و ماگوگ» دیده می‌شود که پیش‌بینی می‌شود در زمان ظهور دجال با پیروان بسیاری بازگردد. همراهان او چتری بزرگ بالای سرش نگه داشته‌اند. در متن نقشه، ذکر شده که اسکندر «تارتارهای گوگ و ماگوگ» را با کمک شیطان در کوه‌های خزر محصور کرده است؛ همان اقوامی که با دجال خواهند آمد و جرأت خوردن گوشت خام را داشتند. همچنین، نوشته‌ای به اشعیا اشاره می‌کند که در روز داوری، خداوند پیامبرانی را برای دعوت ملت‌های دورافتاده که از او بی‌خبرند، خواهد فرستاد. چرخش نقشه که خواننده را وادار می‌کند تا شمال نقشه را از بالا مطالعه کند، این حس را

1. Andrea Bianco's map

2. Portolan

مطالعه تطبیقی نگاره سد اسکندر در مقابل یاجوج و ماجوج در نسخه خطی دقایق الحقایق نصیرالدین محمد هیکلی (۱۲۷۱ هـ/۱۸۵۴ م) و نقشه کاتالان (۱۲۷۶ هـ/۱۸۵۹ م) - فلتره رضایی - علیرضا طاهری



تصویر ۱۸. بخشی از نقشه کاتالان، اسکندر، شیطان و مجسمه‌های برنزی در کنار سد دفاعی (Cresques, ca. 1375 CE.)
Figure 18. Detail of the Catalan Atlas, Alexander, the Devil, and bronze statues beside the defensive wall (Cresques, ca. 1375 CE.)



تصویر ۱۷. بخشی از نقشه کاتالان، یاجوج و ماجوج به همراه فرمانروای شان، ۱۲۷۵ م، فرانسه، ابعاد نقشه ۳۰۰۰×۶۴۵ م. (Cresques, ca. 1375 CE.)
Figure 17. Detail of the Catalan Atlas, Gog and Magog with their ruler, 1375 CE, France, map dimensions: 3000 × 645 mm (Cresques, ca. 1375 CE.)

در آن‌ها اسکندر به‌عنوان قهرمانی ظاهر می‌شود که با استفاده از ابزارهای جادویی و سازه‌های مهندسی به مبارزه با دشمنان افسانه‌ای می‌پردازد (جدول ۳).

تفاوت در تصویرگری

در نقشه کاتالان، به حضور شیطان و کمک او به اسکندر اشاره می‌شود و این دو شخصیت در تصویر حضور دارند. در حالی که در نگاره نسخه دقایق الحقایق و به‌طور کلی منابع ایرانی-اسلامی، اسکندر ذوالقرنین شخصیتی قرآنی و مذهبی است و شیطان شخصیتی منفور است و در این داستان قرآنی نقشی ندارد. روایت دقایق الحقایق صحنه را پس از رفتن اسکندر و بدون حضور او تصویر کرده است. از سوی دیگر، در نقشه کاتالان دو مجسمه برنزی تصویر شده که ایستاده‌اند، اما در نسخه دقایق الحقایق، سه پیکره حضور دارند که سوار بر اسب‌اند و نگارگر جایگاه و برجی برای این سه پیکره تعبیه کرده است. در نقشه کاتالان یاجوج و ماجوج به همراه فرمانروای شان نیز تصویر شده‌اند که در نسخه خطی دقایق الحقایق حضور ندارند.

تفاوت در اهداف

نگاره نسخه دقایق الحقایق تأکید بیشتری بر جنبه اسطوره‌ای و معنوی داستان دارد. روایت تصویری سعی دارد پیام داستان را به مخاطب منتقل کند، نه لزوماً جزئیات تاریخی یا جغرافیایی. از سوی دیگر، سد

تطبیق نگاره سد اسکندر در نسخه دقایق الحقایق و نقشه کاتالان

داستان مربوط به اسکندر و سد علیه یاجوج و ماجوج در کتاب دقایق الحقایق که شامل ساخت سه برج با پیکره‌هایی جادویی است، شباهت‌های زیادی با نقشه کاتالان و روایت آن درباره پیکره‌های برنزی دارد. در هر دو داستان، علاوه بر ساختن سد دفاعی، از مجسمه‌ها یا پیکره‌ها به‌عنوان ابزارهای جادویی برای محافظت در برابر یاجوج و ماجوج استفاده می‌شود. شباهت‌ها را می‌توان در پیکره‌های جادویی و استفاده از صدا برای ترساندن دشمن بررسی کرد.

در هر دو داستان، پیکره‌هایی وجود دارند که نقش محافظتی و هشداردهنده دارند. در روایت نقشه کاتالان، اسکندر دو مجسمه برنزی به شکل شیپور ساخته است که با وزش باد صدا می‌کنند و تارتارها را می‌ترسانند. در داستان دیگر، سه پیکره سوار بر اسب با بوق و دهل در داستان خود بر فراز برج‌ها قرار دارند که در صورت حمله یاجوج و ماجوج به صدا در می‌آیند. هر دو داستان از صدا به‌عنوان عامل ترساندن یاجوج و ماجوج استفاده می‌کنند. در نقشه کاتالان، صدای شیپورهای برنزی باعث ترس و فرار تارتارها می‌شود و در داستان مربوط به برج‌ها، صدای بوق و دهل پیکره‌ها، یاجوج و ماجوج را به فرار وادار می‌کنند. این شباهت‌ها نشان می‌دهد که هر دو داستان در چارچوبی مشترک از اسطوره‌ها و روایت‌های قرون وسطایی قرار دارند که



که این قوم همراه با فرمانده خود به جوامع انسانی حمله خواهند کرد. این دو اثر، نمونه‌ای از ترکیب هنر، اسطوره و جغرافیاست که در آن هر فرهنگ داستانی مشابه را مطابق باورها و ارزش‌های خود بازآفرینی کرده است.

تفاوت در سبک هنری

نقشه کاتالان از رنگها و عناصر پیچیده‌تر برای نشان دادن تفاوت میان جهان متمدن و جهان وحشی استفاده می‌کند. نگاره خطی ساده‌تر و متمرکز بر پیام دینی و اسطوره‌های داستان است. این تطبیق به خوبی نشان می‌دهد که چگونه داستان‌ها و روایات در فرهنگ‌های مختلف، نه تنها بازتاب‌دهنده باورهای مشترک، بلکه نمایانگر تفاوت‌های زیبایی‌شناسی، سیاسی و دینی هستند.

و عناصر درونی آن، نماینده قدرت الهی و مأموریت اسکندر هستند. درحالی‌که نقشه کاتالان به‌عنوان یک اثر نقشه‌نگاری، تلاش می‌کند تا روایت اسکندر را در کنار جغرافیای دنیای شناخته‌شده اروپایی-مسیحی نشان دهد. هدف این نقشه ارائه جهانی منظم است که در آن اسکندر نه‌فقط یک قهرمان اسطوره‌ای، بلکه بخشی از تاریخ جغرافیایی و مسیحی تلقی می‌شود. نگاره با رویکرد اسلامی به جنبه‌های طلسمی و نظم الهی توجه دارد، درحالی‌که نقشه کاتالان با دیدگاه جغرافیایی-مسیحی بر تهدید یا جوج و مأجوج و اقتدار پادشاهی جهانی اسکندر تأکید می‌کند. در نگاره، داستانی که در گذشته اتفاق افتاده است، روایت می‌شود درحالی‌که در نقشه کاتالان، افزون بر روایت گذشته، نگاهی به آینده و آخرالزمان نیز وجود دارد

جدول ۳ مقایسه ویژگی‌های سدا اسکندر در نقشه کاتالان و نگاره دقایق الحقایق

Table 3. Comparison of the characteristics of Alexander's Wall in the Catalan Atlas and the illustration in Daqā'iq al Haqā'iq

| ویژگی‌ها | نقشه کاتالان (۱۳۷۵) | نگاره دقایق الحقایق |
|---------------------|--|--|
| سبک هنری | نقاشی دقیق‌تر با جزئیات بیشتر و تمرکز بر متن و نقوش. | تصاویر ساده با جزئیات محدود و رنگ‌های خام‌دستانه. |
| نمایش شخصیت‌ها | اسکندر با عناصر مسیحی و اشاره به شیطان به تصویر کشیده شده است. | اسکندر و مأجوج و مأجوج در صحنه حضور ندارند؛ صحنه پس از ترک اسکندر ترسیم شده است. |
| پیکره‌های جادویی | دو مجسمه برنزی به شکل شیپور دروازه را محافظت می‌کنند. | سه پیکره سواره بر برج‌ها برای هشدار به یاجوج و ماجوج. |
| نگاه زمانی | نگاه به گذشته و آینده؛ تأکید بر داستانی آخرالزمانی. | روایت تاریخی و بازگوکننده گذشته است. |
| نمایش مأجوج و ماجوج | یاجوج و ماجوج با فرمانروای‌شان در صحنه حضور دارند. | یاجوج و ماجوج به شکل نمادین و غیرمستقیم اشاره شده‌اند. |

نتیجه

بررسی تطبیقی نگاره سد اسکندر در کتاب دقایق الحقایق ۱۲۷۲ میلادی و نقشه کاتالان ۱۳۷۵ میلادی، نمایانگر تنوع بی نظیر روایت‌های تصویری در دو فرهنگ اسلامی و اروپایی است. هر دو اثر داستانی مشترک را بازگو می‌کنند، اما در بازنمایی این داستان رویکردها و اهداف متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. این تفاوت‌ها نه تنها در سبک هنری، بلکه در زمینه‌های دینی، جغرافیایی و فرهنگی نیز به وضوح مشهود است. از این رو، این مطالعه توانسته است تصویری جامع از تعاملات چندفرهنگی میان این دو سنت را ارائه دهد.

نگاره دقایق الحقایق که از سنت اسلامی و ایرانی سرچشمه گرفته، بیشتر بر جنبه‌های دینی و اسطوره‌ای تأکید دارد. این اثر، اسکندر را به عنوان ذوالقرنین قرآنی به تصویر می‌کشد و از نمادها و عناصر جادویی برای تقویت جنبه‌های مذهبی و اخلاقی داستان استفاده می‌کند. این رویکرد، به مخاطب امکان می‌دهد تا پیام معنوی و اخلاقی داستان را درک کند و به قدرت الهی و نقش هدایت‌گرانه اسکندر توجه بیشتری داشته باشد. رنگ‌های محدود و سبک ساده نگاره، تمرکز بیشتری بر محتوای معنوی اثر ایجاد کرده است. از سوی دیگر، نقشه کاتالان با بهره‌گیری از نگاه جغرافیایی و تأکید بر پیش‌بینی‌های آخرالزمانی، داستان سد اسکندر را به یک طرح جامع از نظم جهانی و تهدیدات آینده تبدیل کرده است. این نقشه، یاجوج و ماجوج را به عنوان دشمنان آخرالزمانی به تصویر می‌کشد و از نمادهایی چون مجسمه‌های برنزی و طلسمات جادویی استفاده می‌کند تا ارتباط این روایت با باورهای آخرالزمانی در مسیحیت را برجسته سازد. این امر نشان‌دهنده تأثیر عمیق اندیشه‌های مذهبی اروپایی بر هنر و نقشه‌نگاری قرون وسطی است. شباهت‌های موجود میان این دو اثر نیز قابل توجه است. در هر دو روایت، از صدا به عنوان ابزاری جادویی برای ترساندن و بازداشتن یاجوج و ماجوج استفاده شده است. در نقشه کاتالان، صدای شیپورهای برنزی باعث ترس و فرار تارتارها می‌شود و در نگاره دقایق الحقایق، صدای بوق و دهل به وسیله طلسم‌های جادویی به کار گرفته می‌شود تا یاجوج و ماجوج را از نزدیک شدن به سد باز دارد. این عنصر مشترک، بازتابی از باورهای فرهنگی مشترک در استفاده از صدا به عنوان ابزاری جادویی و نمادین است. تفاوت‌های مفهومی و سبک هنری میان این دو اثر نیز بر ارزش تطبیقی آن‌ها می‌افزاید. در حالی که نقشه کاتالان از جزئیات غنی، رنگ‌های پیچیده و نمادهای مسیحی بهره می‌برد، نگاره دقایق الحقایق از سبک ساده‌تر و رویکردی متمرکز بر پیام‌های اخلاقی و دینی استفاده می‌کند. این تفاوت‌ها، نشان‌دهنده دو دیدگاه مختلف نسبت به بازنمایی داستان‌های مشترک است که هر یک از این دیدگاه‌ها در چارچوب فرهنگی و دینی خاص خود معنادار است. در نهایت، این مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که داستان سد اسکندر، به عنوان یک روایت جهانی، قابلیت بازآفرینی در زمینه‌های فرهنگی و هنری مختلف را دارد. هر یک از این دو اثر، به شیوه‌ای منحصر به فرد این داستان را بازگو کرده‌اند و آن را به ابزاری برای انتقال مفاهیم دینی، اخلاقی، جغرافیایی و حتی سیاسی تبدیل کرده‌اند. چنین پژوهش‌هایی نه تنها به درک عمیق‌تر از تعاملات فرهنگی کمک می‌کند، بلکه ارزش‌های زیبایی‌شناسی، تاریخی و دینی روایت‌های تصویری را برجسته می‌سازد و اهمیت آن‌ها را در انتقال میراث فرهنگی جهانی نمایان می‌کند.

تقدیر و تشکر (Acknowledgement)

این پژوهش در ادامه رساله دکتری نگارنده درباره نسخه خطی «دقایق الحقایق» شکل گرفته است. تمرکز اصلی رساله دکتری بر تحلیل ساختار و نظام تصویری این نسخه خطی «دقایق الحقایق» در



بستر سنت‌های علوم غریبه و روایت‌های تصویری در هنر اسلامی است و این مقاله نیز در امتداد همان مسیر پژوهشی و باهدف گسترش بررسی‌های تطبیقی میان سنت‌های تصویری مختلف پدید آمده است. در پایان، از استادان و پژوهشگرانی که در شکل‌گیری این دیدگاه‌ها نقش داشته‌اند و نیز از کتابدارانی که با فراهم‌سازی منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی، انجام این پژوهش را امکان‌پذیر کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

تعارض منافع (Conflict of Interest)

نویسندگان اعلام می‌دارند که در خصوص انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی، از جمله سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر و همچنین، سیاست مجله در قبال استفاده از هوش مصنوعی از سوی نویسندگان رعایت شده است.

منابع و مأخذ

حزقیال، (۱۳۸۰). در کتاب مقدس (هزاره نو، مترجم). تهران: انجمن کتاب مقدس ایران.

<https://eliteraturebook.com/books/14957>

رضایی، ف.، و خودداری نائینی، س. (۱۴۰۲). بررسی نگاره مرد سوار بر پرند در نسخه خطی دقایق الحقایق نصیرالدین محمد معزم هیکلی با رویکرد آیکونولوژی پانوفسکی. نگره، ۱۸ (۶۸)، ۹۵-۱۱۱.

<https://doi.org/10.22070/negareh.2022.15456.2931>

ریشارد، ف. (۱۳۸۳). جلوه‌های هنر پارسی: نسخه‌های نفیس ایرانی قرن ۶ تا ۱۱ هجری قمری موجود در کتابخانه ملی فرانسه (ع. روح بخشان، مترجم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳.

<https://cir.nii.ac.jp/crid/1970867909857690396>

شیخی، ع.، و رضایی، ف. (۱۳۹۸). مطالعه معنای متباین نگاره اسکندر در برابر یاجوج و ماجوج سد می‌سازد در دو نسخه فالنامه پراکنده و توپقایی. هنرهای صناعی اسلامی، ۱ (۴)، ۵۵-۶۳.

<http://dx.doi.org/10.52547/jic.4.1.55>

طاهری، ع. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی نگاره‌های کتاب سعادت و کتاب البلهان ابومعشر بلخی. هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۲۲ (۱)، ۱۵-۲۹.

<https://doi.org/10.22059/jfava.2017.60995>

قزوینی، ز. ب. م. (قرن ۷ ه. ق. - الف). عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات [عاب/عقائب المحلقات و العارائب الموضات؛ نسخه خطی؛ ۲۱۲ ورق؛ ۳۱ × ۲۰.۵ سانتی‌متر]. مونیخ: کتابخانه ایالتی باواریا. کد عرب. 464.

<https://www.digitale-sammlungen.de/en/view/bsb00045957?page=,1> [عربی]

قزوینی، ز. ب. م. (قرن ۷ ه. ق. - ب). عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات [عاب/عقائب المحلقات و العارائب

الموضات؛ نسخه خطی؛ مصور با ۳۶۸ نقاشی؛ جنس: کاغذ؛ خط: نسخ؛ ابعاد: برگ ۳۰۰ در ۱۹۲ میلی‌متر؛
مرکب: مرکب مشکی، با سربرگ‌های خطدار. کتابخانه بریتانیا. شماره بازیابی: Or 14140.

[عربی] https://www.qdl.qa/en/archive/81055/vdc_100023586788.0x000001

لعل شاطری، م.، و ناظمیان فرد، ع. (۱۳۹۵). تصاویر منقوش یاجوج و ماجوج در اسکندرنامه خمسه نظامی و میزان
همخوانی آن با روایات اسلامی و گزارش‌های تاریخی (مطالعه موردی عصر ناصری). پژوهشنامه تاریخ اسلام،
۱ (۶)، ۹۷-۱۲۱.

<http://journal.isihistory.ir/article-1-330-fa.html>

هیگلی نصیری، ن. م. (۶۷۰-۶۷۱ ه. ق.). دقایق الحقایق [نسخه خطی]. کتابخانه ملی فرانسه. شماره دسترسی: شماره
Ms Persan 174

<https://dailywords.ir/product/MsPersan174>

Reference

- Al-Miṣrī, A. A. A. M. A. (Late 14th AD). *Kitāb al-Bulhān* (Book of Wonders) [Composite manuscript of divinatory works, containing astrological, astronomical and geomantic texts; Fol. 81a in Turkish; Extent: 176 leaves (ff. 80 + 13 + 36 + 33 + 7 + 4 + 3). 245 x 160 mm.; Layout: Various page formats.; Hand: Naskh, with title in Eastern qufic., fol. 1b., 38a; Decoration: 83 illustrations, including miniatures.; Binding: European calf]. (Late ca. 14th CE.). University of Oxford, Bodleian Library. Shelf number: MS. Bodl. Or. 133. <https://digital.bodleian.ox.ac.uk/objects/5c9da286-6a02-406c-b990-0896b8ddbbb0/> [In Arabic Turkish & Latin].
- Anderson, Andrew R. (1932). *Alexander's Gate, Gog and Magog, and the Inclosed Nations*. Medieval Academy of America. https://www.google.com/books/edition/Alexander_s_Gate_Gog_and_Magog_and_the_I/sVUbAAAAYAAJ?hl=en
- Barrucand, M. (1991). *The Miniatures of the Daqa'iq Al-Haqa'iq (Bibliothèque Nationale, Pers. 174): A Testimony to the Cultural Diversity of Medieval Anatolia. Islamic Art*, (4), 113-142. <https://hal.science/hal-03289096v1>
- Bianco, A. (1432-1436 CE.). *Bianco World Maps*. Retrieved December 25, 2024, from <https://www.myoldmaps.com/late-medieval-maps-1300/241-andrea-bianco-world-map/241-bianco.pdf>
- Bietenholz, P. G. (1994). *Historia and Fabula: Myths and Legends in Historical Thought from Antiquity to the Modern Age*. Brill. https://www.google.com/books/edition/Historia_and_Fabula/ZFjXaCAWoOUC?hl=en&gbpv=0
- Carboni, S. (2013). *The Book of Surprises (Kitab al-Bulhan) of the Bodleian Library*.



- State Library of Victoria Foundation. https://madainproject.com/kitab_al_bulhan
- Cotton, T. B. V. (n.d.). *Cotton (Anglo-Saxon) World Map*. British Library. <https://www.imagesonline.bl.uk/asset/1686>
- Cresques, A. (Ca. 1375 CE.). *Catalan Atlas* [Manuscript map]. Paris: Bibliothèque Nationale de France, Département des Manuscrits. Ms. Espagnol 30. <https://www.bnf.fr/fr/mediatheque/atlas-catalan-1375>
- Donzel, E. J. v., Schmidt, A. B., & Ott, C. (2010). *Gog and Magog in Early Eastern Christian and Islamic Sources: Sallam's Quest for Alexander's Wall*. Brill. https://www.google.com/books/edition/Gog_and_Magog_in_Early_Eastern_Christian/PtxOXRIPMA0C?hl=en
- El-Saudî, S. M. E. H. (1582 CE.) *Metali 'ü s-sa 'adet ve-yenabi 'ü s-siyadet* [مطالع السعادة وینابع السیاده] [Manuscript, very fine Persian neskhi, vocalized, from the year 990]. Bibliothèque nationale de France. Identifier: ark:/12148/btv1b8427189w. <https://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8427189w> [Ottoman Turkish].
- Estow, C. (2004). Mapping Central Europe: The Catalan Atlas and the European Imagination. *Mediterranean Studies*, 13, 1–16. <http://www.jstor.org/stable/41166962>
- Ezekiel. (2001). *In the Holy Bible* (New Millennium Version, Trans.). Tehran: Bible Society of Iran. <https://eliteraturebook.com/books/14957> [In Persian].
- Franke, T. (2014). *Monsters at the End of Time: Gog and Magog and Ethnic Difference in the Catalan Atlas (1375)* [Unpublished master's dissertation]. University of New Mexico. https://digitalrepository.unm.edu/hist_etds/30
- Gow, A. (1998). Gog and Magog on Mappaemundi and early printed world maps: Orientalizing ethnography in the apocalyptic Tradition. *Journal of Early Modern History*, 2(1), 61-88. <https://doi.org/10.1163/157006598X00090>
- Harley, J. B., & Woodward, D. (1987). Medieval Mappaemundi. In J. B. Harley, D. Woodward, M. S. Monmonier, Mark S. M., H. Edney, & M. P. Pedley (Eds.), *The History of Cartography* (Vol. 1: Cartography in Prehistoric, Ancient, and Medieval Europe and the Mediterranean, Chap. 18) University of Chicago Press. https://press.uchicago.edu/books/HOC/HOC_V1/Volume1.html
- Hereford Cathedral. (Ca. 1300 CE.). *Mappa Mundi* [Size approx. 1.58 × 1.33 m.]. England: Hereford. <https://www.herefordcathedral.org/mappa-mundi>
- Heykaki Nasiri, N. M. (1271–1273 CE). *Daqā'iq alHaqā'iq* [Manuscript]. National Library of France. Ms Persan 174. <https://dailywords.ir/product/MsPersan174> [In Persian].

Honorius Augustodunensis. (1188 CE.). *The Sawley map (World map of Henry of Mainz)* [Map]. In *De Imago Mundi*. Cambridge, Corpus Christi College. MS 66. <https://www.myoldmaps.com/early-medieval-monographs/215-the-sawley-map/215-sawley.pdf>

Huffman, A. M. (2017). *The Catalan Atlas of 1375 and competing eschatological views among Jews and Christians*. Academia. Retrieved March 12, 2024, from https://www.academia.edu/33318951/The_Catalan_Atlas_of_1375_and_Competing_Eschatological_Views_Among_Jews_and_Christians

Imago Mundi. Chronica. Itinera in Terram Sanctam etc. (Ca. century 13th- 14th CE.). [Cambridge, Corpus Christi College, MS 066: Imago mundi. Pliny. Historia Anglorum. Miscellaneous Theological Texts; Extent: ff. 58 + 4 + 238, Dimensions: 298 Height (mm) and 203 Width (mm)]. Stanford University Libraries. <https://parker.stanford.edu/parker/catalog/jb848tp9919> [Latin].

Iskandar betragter folkene Gog og Magog [Manuscript, Miniature fra et eksemplar af Firdawsis Shahnama fremstillet for Qiwamuddawla wa'l-Din Hasan; Bladet: 36.5×29.5 cm, Shiraz, Iran]. (Ca. 1341 CE.). Park Museums, The David Collection, Copenhagen, Denmark. Inventory number: 13/1990. <https://www.davidmus.dk/islamic-art/miniature-paintings/item/942>

Iskandar builds the iron Rampart [Manuscript, folio from a manuscript of the Great Ilkhanid (Book of Kings) by Firdawsi; Detached manuscript folio; Ilkhanid miniature painting; Opaque watercolor, ink and gold on paper; Dimensions H x W: 59 x 39.7 cm; Tabriz, Iran]. (Ca. 1335 CE.). Smithsonian, National Museum of Asian Art. Accession Number: S1986.104. <https://asia-archive.si.edu/object/S1986.104>

Jacobs, F. (2023, August 24). *The medieval mapmaker remembered for the wrong map: The history of cartography might have been very different if the Latin version of Muhammad al-Idrisi's atlas had survived instead of the Arabic one*. Big Think. Retrieved December 25, 2024, from <https://bigthink.com/strange-maps/al-idrisi-map>

Lal Shateri, M., & Nazemian Fard, A. (2016). Painted pictures of Gog and Magog in Eskandar-nameh and its conformity with Islamic narratives and historical reports: A case study of Naseri era. *Quarterly Research Journal of Islamic History*, 1(24), 97-121. <https://journal.isihistory.ir/article-1-330-fa.html> [In Persian].

Peacock, A. C. S. (2020). A Seljuq occult manuscript and its world: MS Paris Persan174. In A. C. S. Peacock, B. De Nicola, & S. N. Yıldız, *Islam and Christianity in Medieval Anatolia* (Chapter 11, pp. 163- 179). Ashgate Publishing Company. https://www.academia.edu/43076828/A_Seljuq_Occult_Manuscript_and_its_World_MS_Paris_persan_174



- Qazwīnī, Z. I. M. (Ca. 13th CE.-a). *Aḡā'ib al-maḥlūqāt wa-ḡarā'ib al-mauḡūdāt* [Aḡā'ib al-maḥlūqāt wa-ḡarā'ib al-mauḡūdāt; Manuscript; 212 Blätter; 31 x 20.5 cm.]. München: Bayerische Staatsbibliothek. Cod.arab. 464. <https://www.digitale-sammlungen.de/en/view/bsb00045957?page=,1> [Arabic].
- Qazwīnī, Zakarīyā Ibn-Muḥammad. (Ca. 13th CE.-b). *Ajā'ib al-makhlūqāt wa-gharā'ib al-mawjūdāt* [Manuscript; illustrated with 368 paintings; Material: Paper; Script: Naskh; Dimensions: 300 x 192 mm leaf; Ink: Black ink, with rubricated headings]. British Library. Archive reference: Or 14140. https://www.qdl.qa/en/archive/81055/vdc_100023586788.0x000001 [Arabic].
- Reinink, G. J. (2006). Political power and right religion in the East Syrian disputation between a monk of Bēt Hālē and an Arab notable. In E. Grypeou, M. Swanson, & D. Thomas (Eds.), *The Encounter of Eastern Christianity with Early Islam* (pp. 153–169). Brill. <https://almuslih.org/wp-content/uploads/2024/10/Grypeous-E-The-Encounter.pdf>
- Rezaee, F., Khoddari Naeni, S. (2023). Study of a Man Riding a Bird in Daqa'iq al-Haqa'iq Nasir al-Din Muhammad al-Mu'azzim al-Haykali based on Panofsky's iconology Approach. *Negareh Journal*, 18(68), 95-111. <https://doi.org/10.22070/negareh.2022.15456.2931> [In Persian].
- Richard, F. (2004). *Persian Manuscripts from 12 to 17 Centuries National Library of France*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. <https://cir.nii.ac.jp/crid/1970867909857690396> [In Persian].
- Schmudlach, D. (2012). *Die Ebstorfer Weltkarte- eine mappa mundi: Die größte Radkarte des Mittelalters*. Retrieved December 25, 2024, from <http://www.landschaftsmuseum.de/Seiten/Museen/Ebstorf1.htm>
- Sheikhi, A., & Rezaei, F. (2020). The study of the opposite meaning of Alexander in front of Gog and Magog dam in two versions of the dispersed and Topkapi Falnama. *Journal of Islamic Crafts*. 4(1), 55-63. <http://dx.doi.org/10.52547/jic.4.1.55> [In Persian].
- Strickland, D. H. (2018). Edward I, Exodus, and England on the Hereford World Map. *Speculum*, 93(2), pp. 420–469. <https://www.jstor.org/stable/26584555>
- Taheri, A. (2017). Comparative study of the Book of Felicity Paintings and book of Al-Bulhan of Abu Ma'shar al-Balkhi. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 22(1), 15-29. <https://doi.org/10.22059/jfava.2017.60995> [In Persian].
- The Cottoniana or Anglo-Saxon Map. (Ca. 995 CE.). In *Priscian's Periegesis*. MyOldMaps. Monograph No. 210. <https://www.myoldmaps.com/early-medieval-monographs/210-anglo-saxon-or-cottonia/210-cottoniaanglo-saxon-.pdf>